



Securityism in Opposition to Privacy Protection in the Stage of Crime Detection; A Comparative Study of Iranian and American Laws

Saeed jahanbin¹, Mahdi Sheidaean Arani², Mohammad Khalil Salehy³

¹ PhD Candidate in Criminal Law and Criminology, Farabi College, University of Tehran.
saeed.jahanbin65@gmail.com

² Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Farabi College, University of Tehran (**Corresponding Author**). m_sheidaean@ut.ac.ir

³ Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom. mohamad.salehy@gmail.com

Abstract

Securitism, as an intellectual point of view, makes it possible to maintain the order and security of the society through the strict control of the ruling powers and extensive intervention in the scope of individual freedoms and privacy of people, and does not attend to endogenous security and relying on the civil society. The result of securityism in the criminal justice system, especially in the crime detection stage, is the granting of wide powers to officers and investigation authorities, in such a way that maintaining security is preferred over individual freedoms and privacy. Recruiting a descriptive-analytical design and analyzing the laws and regulations and the judicial procedures of Iran and the United States in relation to the challenges of security and privacy of individuals in the stage of crime detection, it was revealed that the criminal justice system of Iran is transitioning from the traditional security-oriented system to the citizen-oriented justice system. This transition period can be clearly seen in the Criminal Procedure Law approved in 2014. On the other hand, despite the long history of the United States in protecting privacy, with the events of September 11, 2001, relying on laws such as the Patriot Act and under the pretext of ensuring the security of society, the police and the judicial system of the country considerably violated citizens' privacy; to the extent that this approach has caught the American criminal justice system in the vortex of a kind of new securityism.

Keywords: Securityism, Dignitism, Patriot, Privacy, Detection of crime.

Received: 2021/06/04 ; **Accepted:** 2023/02/21

How To Cite: Jahanbin, Saeed; Sheidaean Arani, Mahdi; Salehy, Mohammad Khalil (2023). Securityism in Opposition to Privacy Protection in the Stage of Crime Detection; A Comparative Study of Iranian and American Laws, *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 10(1), 51-74.

doi.org/10.22091/CSIW.2023.7010.2098



امنیت‌گرایی در تقابل با حفظ حریم خصوصی در مرحله کشف جرم؛ مطالعه تطبیقی حقوق ایران و آمریکا

سعید جهان‌بین^۱، مهدی شیدائیان ارانی^۲، محمد خلیل صالحی^۳

^۱ دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌های فارابی، دانشگاه تهران. saeed.jahanbin65@gmail.com

^۲ دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌های فارابی تهران، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). m_sheidaian@ut.ac.ir

^۳ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم. mohamad.salehy@gmail.com

چکیده

امنیت‌گرایی به عنوان یک دیدگاه فکری، حفظ نظم و امنیت جامعه را از طریق کنترل شدید قوای حاکمه و مداخله گسترده در محدوده آزادی‌های فردی و حریم خصوصی افراد میسر می‌داند و اعتقادی به امنیت درون‌زا و متکی به جامعه مدنی ندارد. برآیند امنیت‌گرایی در نظام دادرسی کیفری به ویژه در مرحله کشف جرم، اعطای اختیارات وسیع به ضابطان و مقامات تعقیب و تحقیق است؛ به گونه‌ای که حفظ امنیت به آزادی‌های فردی و حریم خصوصی افراد ترجیح داده می‌شود. یافته‌های پژوهشی حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی و با واکاوی قوانین و مقررات و رویه قضایی کشورهای ایران و آمریکا در ارتباط با چالش‌های امنیت‌گرایی و حریم خصوصی اشخاص در مرحله کشف جرم، حاکی از آن است که نظام دادرسی کیفری ایران در حال گذار از نظام امنیت‌گرایی سنتی به سوی نظام دادرسی شهروندگرا می‌باشد. این دوره گذار را می‌توان در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به وضوح مشاهده نمود. از طرف دیگر علیرغم سابقه طولانی ایالات متحده آمریکا در حمایت از حریم خصوصی، پلیس و دستگاه قضایی این کشور با وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به اتکای قوانینی مانند قانون پاتریوت و به بهانه تامین امنیت جامعه به طور قابل ملاحظه‌ای حریم خصوصی افراد را مورد تعرض قرار داده‌اند، به طوری که این رویکرد، نظام دادرسی کیفری آمریکا را در گرداب نوعی امنیت‌گرایی نوین گرفتار کرده است.

کلیدواژه‌ها: امنیت‌گرایی، کرامت‌محوری، پاتریوت، حریم خصوصی، کشف جرم.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۴ ؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲

مقاله حاضر مستخرج از: رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «امنیت‌گرایی در مرحله کشف جرم در حقوق ایران و آمریکا؛ چالش‌ها، راهکارها»، دانشکده‌های فارابی تهران، دانشگاه تهران می‌باشد.

استاد: جهان‌بین، سعید؛ شیدائیان ارانی، مهدی؛ صالحی، محمد خلیل (۱۴۰۲). امنیت‌گرایی در تقابل با حفظ حریم خصوصی در مرحله کشف جرم؛ مطالعه تطبیقی حقوق ایران و آمریکا، *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۱۰(۱)، ۵۱-۷۴.

doi.org/10.22091/CSIW.2023.7010.2098

مقدمه

نظام دادرسی کیفری درصدد است با بهره‌گیری از ابزارها و اختیارات وضع شده در حداقل زمان ممکن و با مؤثرترین شیوه‌ها با مجرم و پدیده مجرمانه مقابله کند. این ابزارها و اختیارات در صورت فقدان یک نظام نظارتی و محدودساز، ضابطان دادگستری و مقامات قضایی را قادر می‌سازد به بهانه مقابله با جرم و مجرم جان و مال و عرض و ناموس و آزادیهای شخصی و حریم خصوص افراد را تهدید نمایند. از این رو ایجاد تعادل بین کارکرد ایجابی آیین دادرسی کیفری که در صدد اعطای اختیارات به ضابطان و مقامات قضایی است و کارکرد سلبی آیین دادرسی کیفری که تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های فردی و حریم خصوصی اشخاص در برابر صاحبان قدرت است، یکی از رسالت‌های دشوار و سنگین نظام‌های دادرسی کیفری معاصر به شمار می‌رود. هر میزان وزن اختیارات ضابطان و مقامات قضایی بیشتر و کنترل و نظارت بر این اختیارات کمتر باشد، نظام دادرسی رویکردی امنیت‌مدارتر را پیشه خود ساخته است و بالعکس نظارت و کنترل دقیق بر اختیارات و صلاحیت‌های ضابطان و مقامات قضایی در حوزه‌های مرتبط با آزادیهای فردی و اجتماعی و حریم خصوصی نشان‌دهنده آن است که حکومت رویکردی شهروندمدار را برگزیده است.

در دو دهه اخیر، نظام‌های پیشرو در دادرسی کیفری تحت‌تأثیر علل گوناگونی به سمت رویکردهای امنیت‌گرا گام برداشتند و به بهانه ایجاد و تضمین امنیت به شکل گسترده‌ای در مسائل شخصی شهروندان ورود می‌کنند و با جمع‌آوری و مبادله اطلاعات اشخاص، استراق‌سمع مکالمات تلفنی، تفتیش و کنترل ارتباطات الکترونیکی، محدودکردن حق دسترسی به وکیل، بازداشت‌های نامحدود و ایجاد بازداشتگاه‌ها و زندان‌های مخفی به مقابله با مظنونان اقدام می‌کنند. از همین رو با عنایت به ویژگی‌های بارز رویکرد امنیت‌گرایی، برخی از اصول بدیهی حقوق کیفری با چالش جدی روبرو شده است، به گونه‌ای که با وضع چنین رویکردی در برخی نظام‌های کیفری، حقوق آزادی‌های شهروندان دچار خدشه شده است. از طرفی یکی از اصول مهم مطروحه در حقوق کیفری، اصل رعایت حریم خصوصی شهروندان می‌باشد، که در صورت تمسک به رویکرد امنیت‌گرایی در سیاست تقنینی کشورها، در برخی موارد اصل مزبور مورد تعرض قرار خواهد گرفت.

در خصوص سابقه موضوع نیز با توجه به بررسی‌های بعمل آمده، کتب و مقالات مختلفی در ارتباط با مقوله «امنیت» و «حریم خصوصی نگارش یافته است. از تحقیقات مرتبط با مقاله حاضر می‌توان رساله دکتری آقای علی دهقانی با عنوان «رویکرد امنیت‌گرا به نظام دادرسی کیفری؛ مبانی، جلوه‌ها و چگونگی تعدیل آن با تأکید بر حقوق ایران» نام برد که در این پژوهش ضمن بررسی حاکمیت امنیت‌گرایانه و موازین آیین دادرسی کیفری عادلانه، سعی شده است تا حد امکان رخدادهای حوادث تروریستی، جرایم خشونت بار و سیاست‌های دولتها در راستای امنیت‌گرایی، تبیین و جلوه‌های مختلف

آن در مقررات ناظر به دادرسی کیفری باز شناخته شده و جلوه‌های این رویکرد در حقوق کیفری شکلی ایران و در ابعاد تقنینی و اجرایی مورد توجه قرار گرفته است. همچنین خانم مرجان برنجی اردستانی در مقاله‌ای با عنوان «آثار امنیت‌گرایی در حقوق کیفری ایران و آمریکا» در مجله پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، ضمن تبیین مفاهیم و جایگاه امنیت‌گرایی در سیاست کیفری، با ارائه پرونده‌های مرتبط با امنیت‌گرایی در کشور آمریکا و تطبیق آن با حقوق ایران، از احساس عدم امنیت به عنوان مهم‌ترین اثر امنیت‌گرایی در جوامع مذکور یاد می‌کند. لکن تالیفات و آثاری که موضوع مقاله حاضر را از زاویه بررسی چالش‌های رویکرد امنیت‌گرایی و حریم خصوصی افراد با نگاهی تطبیقی در حقوق کیفری ایران و آمریکا، مورد پژوهش قرار داده باشد، یافت نشد.

این مقاله در صدد یافتن پاسخ به این پرسش است که تقابل امنیت‌گرایی در مرحله کشف جرم با حفظ حریم خصوصی شهروندان، چه چالش‌های اساسی را در حقوق ایران در مقایسه با حقوق آمریکا موجب شده است. فرض ما بر این است که چه در حقوق ایران و چه در حقوق آمریکا حریم خصوصی شهروندان به بهانه حفظ امنیت تهدید و گاه مورد تعرض قرار می‌گیرد. بازرسی اماکن، منازل و اشیاء، استراق سمع، انتشار اسناد و اطلاعات محرمانه افراد و اختیارات موسع و بدون ضابطه مقامات قضایی و ضابطان دادگستری با تکیه بر وضع و تصویب مواد قانونی مبهم و تفسیر بردار از بارزترین مصادیق چالش مذکور محسوب می‌شود. با این تفاوت که نظام دادرسی کیفری ایران نسبت به قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تلاش دارد از مولفه‌های امنیت‌گرا فاصله بگیرد و لذا در حال گذار از یک رویکرد امنیت‌گرایی سنتی به سمت رویکردهای شهروندگراست. در نقطه مقابل، نظام دادرسی آمریکا نسبت به قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر مسیری رو به عقب را تجربه می‌کند و متأثر از رخدادهای تروریستی و در قالب دادرسی کیفری افتراقی حریم خصوصی شهروندان خود را بیش از پیش مورد تعرض قرار داده است. در این پژوهش، تقابل امنیت‌گرایی با جلوه‌های مختلف حریم خصوصی از جمله حریم خصوصی جسمانی و روانی، حریم خصوصی منازل و اماکن و اشیاء، حریم خصوصی ارتباطی و اطلاعاتی در حقوق ایران و آمریکا مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. مبانی

۱-۱. مبانی امنیت‌گرایی در فرایند دادرسی کیفری

برای دستیابی به برداشت و استنباط صحیحی از رویکرد امنیت‌گرایی، توجه به مبانی آن حائز اهمیت است. از همین رو دولت‌ها برای استفاده از رویکرد امنیت‌گرایانه با تکیه بر برخی مبانی درصدد توجیه عمل خویش برآمده‌اند. هرچند مبانی مورد نظر قانونگذار ممکن است با آنچه مورد نظر آحاد جامعه است، همخوانی نداشته باشد، اما با این وجود در قسمت ذیل مهمترین مبانی را که بیش از سایر موارد در ترویج رویکرد امنیت‌گرایی ایفای نقش نموده است، ارائه خواهد شد:

۱-۱-۱. تامین آسایش خاطر شهروندان

تامین آسایش خاطر مردم از طریق برقراری امنیت پایدار در جامعه، حق شهروندان و از وظایف اولیه حاکمیت محسوب می‌شود. تحولات جوامع حاکی از آن است که گاه تامین امنیت ناشی از تولید الگوی امنیت از سوی مرجعی برتر از جامعه است و از شهروندان می‌خواهد تا جهت قرار گرفتن در شرایط امن، خود را با چارچوب تعریف شده منطبق سازند و در برخی مواقع امنیت و مولفه‌های آن از بطن جامعه نشأت گرفته و منطبق با ساختارهای اجتماعی است. در رویکرد اول تامین امنیت از درون جامعه نمی‌جوشد، بلکه توسط دولت ایجاد می‌شود و افراد ملزم به انطباق خود با آن و رعایت مقتضیات آن است. (رنجبر، ۱۳۸۵: ۸۹) از همین رو وجود چنین نگاهی به دولت به عنوان مرجع امنیت موجبات عمیق‌تر شدن پیوند امنیت‌گرایی و اتخاذ رویکردهای امنیت‌گرایانه در روند دادرسی کیفری در راستای برقراری نظم و امنیت را فراهم خواهد ساخت. چرا که اگر قانونگذار در اقدامات محل نظم عمومی و آسایش خاطر شهروندان، نظم و امنیت مورد نظر شهروندان را مدنظر قرار ندهد، چنین نظم یکجانبه و تحمیلی از سوی شهروندان قابل پذیرش نبوده و در نهایت حقوق کیفری شأن و جایگاه واقعی خود را از دست داده و به ابزاری در دست حکومت تبدیل خواهد شد تا با توجه به دیدگاه خود از آن بهره‌برداری نماید. (دهقانی، ۱۳۹۰: ۵۳) لذا در صورت حاکمیت دولت‌های امنیت‌گرا موازین دادرسی منصفانه در فرایند دادرسی به راحتی از سوی آن‌ها نادیده انگاشته شده و تضمین حقوق دفاعی متهمین در فرایند کشف جرم و تحقیقات مقدماتی، قربانی تامین امنیت موردنظر دولت‌ها خواهد شد. اما در صورتی که قدرت دولت‌ها منبعث از ساختارهای اجتماعی باشد، با درک نظم و امنیت موردنظر شهروندان، قادر خواهد بود ضمن قوام الگوی امنیت در جامعه، جایگاه دولت را در مناسبات بین‌المللی نیز ارتقا بخشد.

۱-۱-۲. تامین امنیت عمومی و حفظ استقلال کشور

ثبات سیاسی و استقلال کشور به عنوان بارزترین نماد حاکمیت، با مفهوم امنیت پیوند ناگسستنی دارد. به همین جهت حکومت‌ها هر گونه اقدام که به نوعی ثبات سیاسی کشور را دستخوش تهدید قرار دهند، برنتافته و به شدیدترین شکل ممکن در مقام پاسخگویی برآمده و در این راستا، گاه اقدامات فراقانونی به بهانه برقراری امنیت از دست رفته، روا می‌دارند. (پورسعید، ۱۳۸۷: ۵۵۷) افراط در اعمال این شیوه در نهایت موجب جاکمیت رویکرد امنیت‌گرایی خواهد شد. تهدید مخالفان حکومت و آنان که در صدد براندازی و اقدام علیه تمامیت و موجودیت یک نظام سیاسی هستند، از سوی حکومت، امری دارای مشروعیت نزد تمامی حکومت‌ها است. زیرا، حکومتی که بر اساس نظر اکثریت مردم به عنوان شهروندان برخوردار از حقوق مدنی و سیاسی، انتخاب شده باشند، نباید بازیچه کسانی قرار گیرند که نظر اکثریت را بر نمی‌تابند و تاب تحمل آن را ندارند و لذا به اسبابی ناهنجار متوسل می‌شوند تا حکومت مشروع و قانونی را ساقط نموده و حکومت‌های مورد نظر خود را حاکم نمایند. اما در موارد رویارویی با چنین

مواردی نیز نباید راه افراط را پیمود و به بهانه اینکه شخص یا اشخاصی قصد براندازی و محو موجودیت نظام را داشته و ناامنی به وجود آورده‌اند، از تمامی حقوق قانونی خود و حتی کرامت انسانی محروم گردیده و در یک فرایند دادرسی غیرمعمول به تحمل کیفر آن هم بدون اغماض محکوم شوند. (دهقانی، ۱۳۹۰: ۵۴-۵۵) از طرفی با گسترش جرایم سازمان‌یافته و تروریسم، امنیت عمومی و اخلاق اجتماعی در معرض خطر قرار گرفته است. میل به شدت عمل و اعمال برخورد‌های سخت‌گیرانه و نادیده گرفتن حقوق شهروندان به بهانه حفظ امنیت عمومی و تأمین منافع جمعی مورد استفاده حکومت‌ها قرار گرفته است. این امر سبب توسل دولت‌ها به عباراتی همچون «مصلحت عمومی» برای اتخاذ رویکرد امنیت‌گرا در مقابله با اینگونه جرایم است.

۲-۱. مبانی حفظ حریم خصوصی در فرایند دادرسی کیفری

۱-۲-۱. مبانی فقهی

در منابع اسلامی نظیر قرآن، سنت و اجماع، احکام متعددی درباره مقوله حریم خصوصی وجود دارد؛ اما اصطلاح مزبور در آیات قرآن و روایات اسلامی استعمال نشده است. بلکه موضوع اسلام در مواجهه با حریم خصوصی، یک موضع تحول‌گرایانه است. روایات بسیاری در دفاع از حریم خصوصی اشخاص در منابع فقهی مشتمل بر ممنوعیت تجسس، تفتیش، سوء ظن، استراق سمع و ورود بدون اذن به منزل دیگری برشمرده شده‌اند. (انصاری، ۱۳۹۰: ۶۵) به نحوی که ممنوعیت تجسس مهم‌ترین مبنا برای جلوگیری از نقض حریم خصوصی در راستای تفتیش و بازرسی منازل، اماکن، مراسلات و مکاتبات شهروندان محسوب می‌شود تا آنجا که خداوند در آیه (۱۲) سوره حجرات می‌فرماید: «ای اهل ایمان از بسیاری پندارها در حق یکدیگر بپرهیزید چرا که برخی ظن‌ها و پندارها معصیت است و نیز هرگز از حال درونی یکدیگر تجسس نکنید و غیبت یکدیگر را روا ندارید». از سوی دیگر در قرآن کریم در آیات (۲۸) و (۲۹) به موضوع ممنوعیت ورود به منزل دیگری بدون استیذان اشاره شده است. از همین رو علامه طباطبایی در مقام تفسیر آیات مذکور، مصلحت این حکم را در آن می‌داند که؛ عیوب مردم و امور پنهان آنان و هر چیزی که اظهار آن موجب شرم افراد می‌گردد، همچنان مخفی و کرامت ایمانی آنها حفظ شود. (طباطبایی، ۱۴۱۰: ۱۰۹) علاوه بر آیات قرآن کریم مصداق بارز ممنوعیت ورود بدون اذن به منزل دیگری، ماجرای «سمره بن جندب» می‌باشد که پیامبر اسلام برای جلوگیری از ورود بدون اجازه سمره به منزل مرد انصاری، قاعده فقهی «لاضرر و لا ضرر فی الاسلام» را جاری نموده و به مرد انصاری اعلام نمودند که با قطع درخت و انداختن آن نزد سمره، مانع از ورود وی به منزل خویش گردد (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۱۱) در شریعت اسلام استراق سمع و بصر بدون اجازه دیگری نیز امری شنیع دانسته شده است، به طوری که پیامبر اسلام (ص) نیز در این زمینه فرموده‌اند: «هرکس به خانه همسایه‌اش سرک بکشد تا به عورت مردی یا موی زنی یا بدن اون نگاه کند، رواست که او را همراه منافقان به آتش دوزخ افکند». و همچنین «هرکس

که به مکالمات دیگران در حالی که راضی نیستند، گوش دهد روز قیامت در گوش وی سرب داغ ریخته می‌شود». (امام خمینی، ۱۴۱۰: ۴۹۱)

۱-۲-۲. مبانی حقوقی

۱-۲-۲-۱. حفظ اصول اخلاقی و احترام به کرامت انسانی

ادب و اخلاق حکم می‌کند به افراد به عنوان یک انسان و در نهایت احترام رفتار نماید. اصول و موازین اخلاقی حرمت شکنی و تعدی به حیثیت دیگران را منع نموده و بر لزوم برخورد انسانی و محترمانه تاکید می‌ورزد؛ لذا پایبندی به اصول اخلاقی مانع تجاوز به حقوق دیگران خواهد شد. در این میان رعایت حریم خصوصی اشخاص به عنوان یکی از مصادیق بارز احترام به شخصیت و کرامت انسانی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. (آماده، ۱۳۹۲: ۸۸)

۱-۲-۲-۲. تحدید اختیارات دولت

یکی از مبانی مهمی که شناسایی حق بر حریم خصوصی را برای افراد جامعه ضروری می‌سازد، وجود دولت همراه با قدرت و سلطه‌اش در جامعه است. زیرا در هر اجتماعی گریزی از قدرت و سلطه دولت نیست؛ از این رو باید اطراف موجودیت و شخصیت فرد حصاری کشید تا قدرت زیاده خواه و سلطه جوی حاکم قادر به تعدی به حریم خصوصی نباشد. (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۵: ۱۴۰) بنابراین اگر قدرت و سلطه دولت‌ها از طریق وضع قوانین محدود نگردد، به تدریج تجاوز به حریم خصوصی نیز فزونی خواهد یافت. لذا دولت‌ها علاوه بر تضمین حقوق و آزادی‌های عمومی و در نظر گرفتن مصلحت جامعه، باید تضمین آزادی‌های فردی را نیز از طریق وضع قوانین صریح و شفاف مورد توجه قرار دهد، تا از این طریق مانع از تعرض به حریم خصوصی افراد گردد.

۱-۲-۲-۳. اقتضای اصل برائت و اصل منع دلیل تراشی

برابر اصول فوق فرض آن است که هر کس بی‌گناه است و مرتکب بزه‌ی نشده است، نباید برای بزه‌کار قلمداد نمودن وی به دنبال یافتن و تراشیدن دلیل بود. اگر اعتقاد به جواز تعرض به حریم خصوصی داشته باشیم، اصل برائت و منع دلیل تراشی مخدوش می‌شود. از این طریق بر آنیم فردی که اموال، اشیاء یا به طور کلی حریم خصوصی وی مورد تفتیش و بازرسی قرار می‌گیرد، احتمالاً مرتکب بزه‌ی شده و باید از طریق تفتیش و بازرسی به دنبال یافتن دلیل علیه وی باشیم تا او را محکوم کنیم که باوری نادرست و در تعارض با فرض بی‌گناهی و ممنوعیت دلیل تراشی است. (ندایی، ۱۳۹۲: ۲۵)

۱-۲-۲-۴. ضرورت تامین امنیت و آسایش مادی و روانی افراد

حفظ حریم خصوصی از جمله مصادیق بارز تامین امنیت و آسایش و از جمله دغدغه‌های آحاد جامعه

است. بخشی از این نیاز مربوط به برقراری امنیت و آسودگی خاطر در خانه و کاشانه خود است. بی‌شک، تعرض به حریم خصوصی مانند ورود به ملک غیر بدون اذن و اجازه علاوه بر سلب آسایش و امنیت عمومی فرد، آثار و نتایج زیانباری را در زندگی خانوادگی و سلامت روانی افراد بر جای می‌گذارد. تعرض به محل کار افراد و نقض حریم خصوصی محل کار نیز موجب ایجاد اختلال در امنیت شغلی افراد می‌شود. (آماده، ۱۳۹۲: ۹۰) از طرفی افشای اسرار، فاش نمودن فیلم و عکس خانوادگی افراد، شنود مکالمات و مکاتبات خصوصی اشخاص، سلامت روانی آدمی را رنجور نموده و زمینه‌ساز بروز خطرات جدی برای حریم خصوصی اشخاص خواهد بود.

۲. امنیت‌گرایی در تقابل با حریم خصوصی

اصل تعرض‌ناپذیری حریم خصوصی ایجاب می‌کند جز در موارد ضرورت، حریم خصوصی افراد مورد تعرض قرار نگیرد و حتی در موارد ضروری، ضوابط و تشریفات قانونی به دقت و با احتیاط کامل رعایت گردد. بعلاوه رویکرد امنیت‌گرایی در جهت تقویت حاکمیت امنیت جامعه حاضر به فداکردن برخی از حقوق بشری متهمین خواهد بود. مشخص نبودن مرز میان امنیت و آزادی و عدم تصویری شفاف و مدون از این دو مفهوم متعارض موجب شده است تا در بسیاری از جوامع بشری، به بهانه حفظ امنیت در جامعه، حقوق مصرحه افراد از جمله «اصل رعایت حریم خصوصی شهروندان» زیر پا گذاشته شود. از آنجا که گستره حریم خصوصی شامل حریم خصوصی جسمانی، روانی، اشیا، اماکن و حریم ارتباطی و اطلاعاتی شهروندان می‌گردد چالش امنیت‌گرایی و حریم خصوصی در حقوق ایران و امریکا طیف وسیعی از نقضها نسبت به حریم خصوصی را در بر می‌گیرد:

۱-۲. امنیت‌گرایی در تقابل با حریم خصوصی جسمانی و روانی

تحدید آزادی اشخاص یکی از مصادیق بارز نقض حریم خصوصی جسمانی اشخاص محسوب می‌شود. از همین رو نظام کیفری ایران در قانون آیین دادرسی کیفری با پیش‌بینی نهاد «تحت نظر» در مواد (۴۷) تا (۵۳) قانون مذکور، به طور فوق‌العاده و بدون تشریفات، آزادی شخص مظنون را محدود می‌سازد. نهاد مزبور از دو جنبه مورد توجه قرار می‌گیرد؛ اولاً: صرف پیش‌بینی مرحله تحت نظر مغایر اصول مصرحه در ماده (۴) قانون آدک می‌باشد و وضع چنین مقرره‌ای فی نفسه محدودکننده آزادی شخص مظنون می‌باشد. دوماً: مقرره‌های پیش‌بینی شده در ارتباط با شخص تحت نظر از قبیل حق حضور و ملاقات وکیل، اطلاع یافتن نزدیکان از تحت نظر قرار گرفتن شخص، معاینه شخص تحت نظر در صورت لزوم، تفهیم حقوق وی به صورت مکتوب، مطابق با اصول مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد، لذا پیش‌بینی حقوق مذکور برای شخص تحت نظر از نوآوری‌های قانونگذار محسوب می‌شود.

مطابق بخش دوم ماده (۴۴) قانون آیین دادرسی کیفری ضابطان دادگستری در ارتباط با جرایم مشهود تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار و علائم جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی به عمل می‌آورند و تحقیقات لازم را انجام داده و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. در خصوص مصادیق جرایم مشهود باید گفت که بارزترین مصداق این گونه جرایم این است که جرم موردنظر در مرئی و منظر ضابطین دادگستری صورت گیرد. هر چند اقدامات ضابطین جهت جمع‌آوری ادله وقوع جرم و عنداللزوم بازداشت مظنون، تحت مصداق اخیر قابل توجیه می‌باشد. اما سایر مصادیق جرم مشهود در ماده (۴۵) قانون مزبور در حکم جرم مشهود می‌باشند و اختیارات اعطایی به ضابطان دادگستری در راستای کشف جرم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم و حسب مورد بازداشت مظنون بدون کسب مجوز مقام قضایی موجب تهدید حقوق و آزادی‌های متهم و به تبع آن ناقض حقوق مصرح مظنون در ماده (۴) قانون آذک خواهد شد. به عبارت دیگر تحت نظر قراردادن مظنون در وضعیت جرم مشهود واقعی یا موضوعی (جرمی که در مرئی و منظر ضابط دادگستری واقع شود) با پشتوانه امارات قوی محقق شده است. اما در جرایم مشهود فرضی یا حکمی بایست وقوع جرم مشهود بر مبنای «قرائن و امارات قوی» از سوی ضابطین محقق شود. از همین رو احراز چنین امری در عمل به دلیل مشخص نبودن مفهوم و مصادیق «قرائن و امارات قوی» با تردید مواجه است که ضرورت دارد جهت جلوگیری از برداشت‌های شخصی و سلیقه‌ای ضابطان دادگستری، اصطلاح مزبور در قانون آیین دادرسی کیفری تعریف و مصادیق آن احصاء گردد. (مهرا و محمودیان، ۱۳۹۶: ۳۴۳-۳۴۴)

در ارتباط با مرحله تحت نظر در آمریکا بایست افزود که در نظام‌های حقوقی مبتنی بر کامن‌لو همچون آمریکا از اصطلاح تحت نظر استفاده نمی‌شود، بلکه می‌توان جلب و دستگیری توسط پلیس را تحت عنوان مرحله تحت نظر در حقوق این کشور محسوب نمود. (کوشکی و سهیلی مقدم، ۱۳۹۵: ۱۹۸) طبق اصلاحیه چهارم قانون اساسی آمریکا اگر مأمور پلیس بر اساس یک سوء ظن منطقی و قابل بیان مجاز به بازداشت فردی برای اهداف مورد نظر باشد، حتی در صورت عدم وجود دلایل احتمالی برای دستگیری، می‌تواند آن شخص را تحت نظر قرار دهد. از همین رو دادگاه‌های آمریکا از اصطلاحات مختلفی برای تحت نظر قراردادن شخص مظنون همچون «دلایل قابل قبول»، «سوء ظن اساسی» استفاده می‌کنند. در واقع احراز شرایط مذکور باید بر مبنای یک معیار نوعی استوار باشد، نه معیار شخصی. علاوه بر این با توجه به عدم تعیین حداکثر مهلت زمانی برای تحت نظر قرار گرفتن مظنون توسط پلیس، «مهلت منطقی» شرط زمان تحت نظر است. (copolo, 2006: 17-19)

همچنین طبق اصلاحیه هشتم قانون اساسی آمریکا، شکنجه توسط مقامات دولتی بر علیه اشخاصی که تحت بازداشت یا کنترل مقامات دولتی هستند، ممنوع است. (https://www.justice.gov, 2020) اما با وضع قانون پاتریوت تمامی معادلات در این خصوص با چالش مواجه گردید؛ به نحوی که مساله شکنجه

در این کشور پس از حوادث ۱۱ سپتامبر در دو بعد مطرح گردید: ۱) از طریق اعمال فشار روانی به اعضای خانواده و برخورد نامناسب فیزیکی با مهاجران که هرگز اتهامی نیز به آنها وارد نشده است و نیز اخراج این افراد به کشورهایی که در آنجا شکنجه به صورت سیستماتیک انجام می‌شود. ۲) تبلیغات رسمی در راستای پذیرش شکنجه در آمریکا به بهانه حفظ امنیت جامعه صورت گرفت. (فهم دانش، ۱۳۸۳: ۱۲۲-۱۲۱)

در عنوان بخش (۴۱۲) قانون میهن پرستی از عنوان کلی «بازداشت اجباری مظنونان به اقدام تروریستی» یاد شده است، ولی درون مایه این بخش، در گام نخست به اصلاح قانون مهاجرت و تابعیت آمریکا پرداخته و از رهگذر آن مظنون اقدام تروریستی یک شخص بیگانه است و در گام دوم بازداشت مظنون بیگانه دارای مدت نیست و در گام سوم نیز این بازداشت فقط به مظنونان اقدامات تروریستی بار نمی‌شود، بلکه در بردارنده همه بیگانگانی است که به گونه‌ای با عملیات تروریستی پیوند دارد و چه بسا خود، مرتکب جرم تروریستی نشده باشد. (عالی پور، ۱۳۸۸: ۱۸) علاوه بر این به علت وجود بازداشت‌های نامعین در زندان‌های تحت سیطره آمریکا همچون گوانتانامو، پایگاه هوایی بگرام، زندان سوپر ماکس پیاده کردن روش «شکنجه روانی» در نزد دولتمردان این کشور به امری مرسوم تبدیل شد (Lubran & shue, 2011: 16-18).

۲-۲. امنیت‌گرایی در تقابل با حریم خصوصی منازل، اماکن و اشیاء

اصل مصونیت حریم منازل، اماکن و اشیاء متهم یک اصل مطلق نیست، بلکه قانونگذار ایران در مواردی تفتیش و بازرسی آن‌ها را مجاز شمرده است. یکی از این موارد استثنا نقض مصونیت اماکن، منزل و اشیاء افراد در جرم مشهود است؛ به موجب بند «ث» ماده (۴۵) قانون آیین دادرسی کیفری برای ضابطان دادگستری اختیارات گسترده‌ای در جرایم مشهود به منظور بازرسی منزل یا محل سکنای افراد پیش‌بینی شده است. هر چند مطابق قسمت اخیر ماده (۴۴) قانون مذکور وظیفه ضابطان در جرایم مشهود ایجاب می‌نماید تمامی اقدامات لازم را در کشف جرم انجام دهند. (خالقی، ۱۳۹۴: ۷۴، شاکری و قاسمی، ۱۳۹۵: ۹۴) لکن بنظر می‌رسد چنین اختیاری برای ضابطان مجوزی برای ورود به منزل یا محل سکنای افراد نیست مگر اینکه مطابق بند «ث» ماده (۴۵) قانون، شخص ساکن بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود ماموران را به محل سکونت خویش درخواست نماید. (مهرآ و محمودیان، ۱۳۹۶: ۳۳۸) مضافاً اینکه قانونگذار در ماده (۱۳۷) ضابطه «ظن قوی» را برای پذیرش مداخله در حریم خصوصی به کار گرفته است، در صورتی که کمیته حقوق بشر معیار ظن معقول را جهت ورود به حریم خصوصی افراد در نظر گرفته است. (crawshaw, 2009: 136) در مقام قیاس معیارهای فوق می‌توان گفت که «ظن» بر اساس مفهوم فقهی آن حالت نفسانی بین قطع و شک است و در واقع احتمال ثبوت چیزی در حد پنجاه + یک تا کمتر از صد می‌باشد (قبله خویی، ۱۳۸۷: ۱۳۷) از طرفی منظور از ظن قوی ظن غالب است که نزد

متعارف مردم به منزله علم شناخته می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۳: ۱۹۱) علاوه بر این ظن معقول اندازه‌ای از علم است که موجب می‌شود انسان محتاط و متعارف در شرایط مشابه، به فعالیت جزایی اقدام نماید. (Rolando, 2016: 81) بنابراین در هر دو معیار نامبرده درجه علم نسبت به واقعیت بیرونی یکسان و هر کدام از معیار نوعی تبعیت کرده است نه معیار شخصی. علاوه بر این قرائن و امارات منتهی به ظن باید عینی باشند؛ زیرا امارات، قرائن خارجی‌اند که موجب حصول ظن می‌شوند. لذا منطقی است بین مظنونی که مورد ظن ذهنی یا غریزی است با مظنونی که مورد ظن مبتنی بر قرائن قوی عینی و خارجی است تفاوت قائل شویم.

تفتیش منزل یا سایر اماکن با توجه به اطلاق ماده (۱۳۹) قانون آدک: «چنانچه با حقوق اشخاص در تراحم باشد در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهم‌تر باشد...» هم شامل جرایم مشهود و هم غیر مشهود می‌شود. در واقع قانونگذار قصد داشته است اهمیت حقوق افراد را نسبت به سایر افراد که منافع جامعه را در برمی‌گیرد، نشان دهد. در نتیجه مرجع تشخیص حق مهم‌تر در جرایم غیر مشهود، مقام قضایی و در جرایم مشهود نیروی پلیس است. اما معیاری در زمینه حقوق مهم‌تر پیش‌بینی نشده است تا مانع از اقدامات سلیقه‌ای مراجع قضایی یا نیروهای پلیس شود. (تقی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۹۰) از سوی برخی معتقدند در کلیه مواردی که جرم واقع گردد و امکان کشف آن یا جمع‌آوری دلایل و دستگیری متهم بدون ورود به منزل امکان‌پذیر نباشد، بایست از ترجیح حقوق عمومی بر حقوق خصوصی سخن به میان آورد. (رحمدل، ۱۳۸۴: ۱۳۴) اما با توجه به اصل مستند بودن قوانین کیفری، شفافیتی در ماده (۱۳۹) قابل مشاهده نیست که بدان وسیله بتوان اختیارات مقام قضایی یا نیروی پلیس را ارزیابی نمود. (تقی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۹۱-۱۹۰)

از طرفی در قانون آیین دادرسی کیفری در مواد متعددی از واژه کلی و مبهم «ضرورت» استفاده شده است. بر اساس ماده (۱۴۴) قانون آدک در صورت ضرورت بازپرس می‌تواند ورود و خروج به محل بازرسی را تا پایان بازرسی ممنوع کند و برای اجرای این دستور از نیروی انتظامی و حسب ضرورت از نیروی نظامی با هماهنگی مقامات مربوطه استفاده کند. علاوه بر ایراد سابق مبنی بر عدم تعیین ضابطه برای واژه «ضرورت» در ممنوعیت ورود و خروج به محل بازرسی، جهت زمان استفاده از نیروی نظامی نیز معیار مشخصی ارائه نشده است. بنابراین مقام قضایی که مطابق قانون، تشخیص ضرورت بر عهده وی نهاده شده است، می‌تواند حتی در جرائم کم اهمیت و سبک از اختیار مندرج در این ماده استفاده کند. در صورتی که صرف حضور نیروی نظامی در چنین مکان‌هایی در قیاس با حضور نیروهای پلیس، علاوه بر ایجاد رعب و وحشت ساکنین، زمینه نقض حریم خصوصی آنان را فراهم می‌سازد.

در حقوق آمریکا مطابق اصلاحیه چهارم، قبل از ورود یک مامور به مکان باید ابتدا نسبت به صاحب مکان و اهداف مورد نظر اطلاع داده شود و در صورت عدم اعلام باید از ورود ماموران پلیس ممانعت

شود. این رویکرد تا سالیان اخیر در ایالات فدرال و به طور کلی همه ایالت‌های آمریکا حکمفرما بود. به طوری که در دعوای ویلسون علیه آراکانزاس دادگاه تشخیص داد که قاعده «ضربه بزن و اعلام کن» عنصر مقبول اصلاحیه چهارم است. این قاعده یک پیش‌فرض است که ممکن است تحت شرایط مختلفی همچون تهدید و خشونت فیزیکی نسبت به ماموران، فرار کردن زندانی و شواهدی مبنی بر احتمال از بین رفتن مدارک تغییر یابد. (Sharlen Wilson, petitioner v Arkansas, 1995)

در اجرای حکم جهت بازرسی مکان و افراد موردنظر، ماموران قادر نخواهند بود شخص دیگری را که در آن مکان حضور دارد، بدون مجوز قضایی تفتیش کنند. اما در صورتی که ماموران اجرای حکم دلیل منطقی برای ترس از امنیت خویش بیان کنند، می‌توانند در جهت دفاع از خویش، واکنش نشان دهد. اما برای بازرسی بایست دلیل احتمالی ویژه‌ای در ارتباط با آن شخص ارائه دهد. از طرفی در دعوای میشیگان علیه سامرز، دادگاه مامورانی را که برای بازرسی یک منزل اقدام کنند، بدون نیاز به ارائه دلیل منطقی یا احتمالی، مجاز به دستگیری مالک یا ساکن منزل در حال خروج از ایوان دانسته است. دادگاه به جهت کاهش خطر ایراد آسیب به ماموران، انجام بازرسی در صورت کشف شواهد مجرمانه را مجاز دانسته است. (State of Michigan, petitioner. v. Summers, 1981)

در ارتباط با بازرسی یک شخص در هنگام دستگیری به علت ارتکاب جرم دیگری، دادگاه بررسی نمود که آیا آزمایش تنفس و خون اجباری جهت تعیین غلظت الکل موجود در خون رانندگان در حین دستگیری تحت عنوان «رانندگی در حال مستی» مخالف اصلاحیه چهارم خواهد بود؟ در این پرونده دادگاه نفوذ به حریم خصوصی ناشی از آزمایش تنفس را بسیار ناچیز دانست. اما در نقطه مقابل آزمایش خون اجباری موجب افزایش خطر نقض حریم خصوصی افراد می‌شود، زیرا آزمایش خون موجب سوراخ شدن پوست، استخراج بخشی از بدن فرد و ارائه اطلاعات تحلیلی قابل توجهی از وی خواهد گردید. (Birchfield v. North Dakota, 2016) از همین رو دادگاه از یک سو جهت حفظ امنیت عمومی در بزرگراه‌ها، تامین امنیت جامعه و جلوگیری از رانندگی در حال مستی، اخذ آزمایش تنفس در حین دستگیری راننده مست را بدون اخذ مجوز قضایی مجاز شمرد. اما از سوی دیگر آزمایش خون بدون مجوز در شرایط مزبور را غیرقابل توجیه دانسته و بر این باور است که آزمایش خون به علت تعارض با حریم خصوصی جسمانی افراد، الزاما همراه با مجوز قضایی باشد.

در ارتباط با بازرسی شخص دستگیر شده، منطقی است مامور بازداشت‌کننده شخص دستگیر شده را بازرسی کند تا اسلحه‌هایی را که ممکن است به دنبال استفاده از آنها باشد، کشف کند. مضافا اینکه مامور بازداشت‌کننده می‌تواند هر گونه مدارک مرتبط با شخص بازداشت شده را در جهت جلوگیری از پنهان کاری و تخریب آن مدرک بازرسی و ضبط نماید. اسلحه روی میز یا کشوی جلوی شخص دستگیر شده می‌تواند برای مامور بازداشت‌کننده به همان اندازه خطرناک باشد که در لباس شخص دستگیر شده

پنهان شده باشد. بنابراین بازرسی شخص دستگیر شده و منطقه «تحت کنترل فوری» (منطقه‌ای که ممکن است از آن اسلحه یا مدارک قابل تخریب یافت شود) توجیه کافی دارد. از طرفی نه تنها ممکن است ماموران بتوانند مناطق تحت کنترل فوری شخص دستگیر شده را بازرسی کنند، بلکه اگر احتمال تهدید از سوی «شخص ثالث مخفی در منزل» وجود داشته باشد، بازرسی‌ها گسترش یابد (chimel petitioner v.state of California, 1969).

همچنین هر گاه ماموران بر اساس حکم قضایی سرنشین خودرو را بازداشت نموده‌اند، می‌توانند فضای داخلی خودرو از جمله بسته‌ها و محتویات آن را نیز مورد بازرسی قرار دهند. با توجه به اختلاف نظر در دادگاه‌های آمریکا؛ در صورتی که در هنگام دستگیری سرنشین، وی در نزدیکی خودرو خویش نباشد، آیا ماموران مجاز به بازرسی فضای داخل خودرو هستند یا خیر؟ (state of new York, petitioner, v.belton, 1981) در دعوی - آریزونا علیه گانت قاعده‌ای مشخص به عنوان رویه نزد دادگاه‌های آمریکا وضع گردید. بر این اساس با احراز یکی از دو شرط ذیل امکان بازرسی فضای داخلی خودرو سرنشین دستگیر شده وجود دارد: (۱) سرنشین دستگیر شده در زمان بازرسی در نزدیکی خودرو حضور داشته باشد (۲) دلیل منطقی مبنی بر اینکه خودرو سرنشین حاوی شواهد و مدارک مرتبط با جرم ارتكابی باشد. (state of Arizona, petitioner, v.gant, 2009) از همین رو دادگاه‌های آمریکا برای تکمیل «منطق حرکت»، توجیهی برای کاهش حریم خصوصی ایجاد کرد و اظهار می‌دارد که شکل ظاهری، کارایی و تنظیم خودروها اغلب انتظار منطقی از حریم خصوصی را در قیاس با املاک کاهش می‌دهد؛ زیرا با توجه به جنبه عملکردی آن، به ندرت به عنوان محل سکنی استفاده می‌شود، به نحوی که با طی کردن معابر عمومی سرنشینان و محتوای آن در معرض دید عموم قرار دارند.

استفاده از مفهوم «کاهش انتظار» در رویه دادگاه‌های آمریکا اختیار پلیس جهت انجام بازرسی بدون مجوز خودرو را گسترش می‌دهد. علیرغم اینکه ماموران پلیس ملزم به اعمال قاعده «دلیل احتمالی بازرسی» و «سوء ظن معقول» در بازرسی‌ها هستند، اما عدم ارائه ضابطه مشخص از قواعد مذکور و متعاقب آن کاهش سطح استاندارد مفهوم انتظار عموم از حریم خصوصی موجب اعطای اختیارات گسترده و تفسیرهای شخصی ماموران پلیس در راستای بازرسی وسایل نقلیه خواهد شد. به طوری که طبق قاعده «کاهش انتظار حریم خصوصی در وسایل نقلیه»، بازرسی خودروهای توقیف شده جهت تأمین امنیت عمومی امری مقبول تلقی گردیده و هر گونه مدارک و شواهد مرتبط با فعالیت مجرمانه کشف شده در مدت زمان بازرسی در دادگاه قابل پذیرش است.

۳-۲. امنیت‌گرایی در تقابل با حریم خصوصی ارتباطی

کنترل نامه‌ها، پیام‌ها، تلفن‌ها و موج‌های اطلاعات رسان برجسته‌ترین بخش افزایش اختیارات پلیس و ضابطین دادگستری است و چون همراه با رویارویی پلیس و شهروندان نیست، بیشتر از سایر راهکارها

مورد توجه قرار می‌گیرد. (عالی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۵) ماده (۱۵۰) قانون آیین دادرسی کیفری به منظور صیانت از حریم خصوصی در زمینه ارتباطات مخابراتی از اصلی تبعیت کرده است که بر اساس آن نمی‌توان با واری ارتباطات افراد به منظور کشف جرم علیه متهم به جمع‌آوری دلایل اقدام نمود. اما اصل مزبور در برخی موارد با استثنائاتی مواجه شده است. قانون یاد شده در جهت پیشبرد جمع بین دو قاعده «حفظ حرمت ارتباطات مخابراتی» و «صیانت از حقوق جامعه» کنترل مخابراتی را با محوریت جرایم مهمی که به امنیت داخلی و خارجی و همچنین کشف جرایم موضوع بندهای «الف» تا «ت» ماده (۳۰۲) قانون آدک مرتبط باشد، جایز شمرده است. شایان ذکر است که قبل از هر گونه دستور به کنترل مخابراتی افراد در جرایم موضوع بندهای «الف» تا «ت» ماده (۳۰۲) لازم است کلیه شیوه‌های جرم‌یابی اعمال شود و به منزله آخرین راهکار برای کشف جرم به کنترل مخابراتی توسل جست. که این برداشت از عبارت: «... لازم تشخیص داده شود...» استنباط می‌شود. (مهرآ و محمودیان، ۱۳۹۶: ۳۳۶-۳۳۵) از طرفی ماده (۶۸۳) قانون آیین دادرسی الکترونیکی نیز کنترل محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی را مطابق مقررات مندرج در آیین دادرسی کیفری دانسته است، از همین رو در خصوص کنترل ارتباطات غیر عمومی در سامانه‌های الکترونیکی می‌بایست از ماده (۱۵۰) قانون آیین دادرسی کیفری متابعت نمود. همچنین در ماده (۱۵۱) علاوه بر تجویز کنترل ارتباطات مخابراتی افراد در برخی موارد نیز این اختیار به بازپرس داده شده است در صورت ضرورت امر و کشف جرم و دستیابی به ادله وقوع جرم، حساب‌های بانکی افراد با تایید رییس حوزه قضایی کنترل گردد. قانونگذار با وضع این مقرر و بدون اخذ رضایت دارنده حساب بانکی، دسترسی به حساب‌های بانکی وی را مجاز شمرده است. علیرغم اینکه بهره‌مندی از این مقرر عمده‌تا در خصوص جرایم اقتصادی از قبیل: پول شویی، جرایم سازمان‌یافته و تروریستی نمود پیدا می‌کند، اما صرف پیش‌بینی مقرر مزبور ناقض حریم خصوصی افراد محسوب می‌شود.

مطابق ماده (۶۶۹) قانون آیین دادرسی کیفری: «... هرگاه حفظ داده‌های رایانه‌ای ذخیره شده برای تحقیق یا دادرسی لازم باشد، مقام قضایی می‌تواند دستور حفاظت از آنان را صادر نماید». قانونگذار علاوه بر عدم تعیین ضابطه مشخص برای واژه «ضرورت» پا را فراتر گذاشته و اظهار می‌دارد که ضابطان قضایی نیز در شرایط فوری نظیر خطر آسیب دیدن یا تغییر یا از بین رفتن داده‌ها می‌توانند دستور حفاظت را صادر نمایند. علاوه بر اینکه صدور چنین دستوری توسط ضابطان دادگستری امری قابل تامل خواهد بود، ضابطه تعیین شرایط «فوری» مندرج در این ماده نیز تعیین نگردیده است. لذا تقویض صدور چنین دستوری به مقام غیرقضایی علاوه بر احتمال خطر سوءاستفاده از اختیارات، ممکن است به بهانه «فوریت»، منجر به نقض حریم خصوصی شخص گردد.

قانونگذار در ماده (۶۷۱) قانون آیین دادرسی کیفری با بهره‌گیری از اصطلاح «ظن قوی»، تفتیش و

توقیف داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای را به موجب دستور قضایی در مواردی به عمل می‌آورد که «ظن قوی» به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود دارد. ضمن مشخص نبودن معیاری روشن جهت تعیین ضابطه ظن قوی، بر اساس اطلاق ماده مزبور، مقام قضایی اختیار تفتیش و توقیف داده‌ها و سامانه رایانه‌ای را در صورت وقوع هر نوع جرمی ولو در خصوص جرائم کم اهمیت دارد. در صورتی که اصل رعایت حریم خصوصی شهروندان ایجاب می‌نماید که تفتیش و توقیف داده‌های خصوصی، صرفاً در ارتباط با برخی جرائم مهم و حصری صورت گیرد. از طرفی با توجه به اینکه اصولاً نقض حریم خصوصی توسط مقامات دولتی و اشخاص تحت نظارت آنان راحت‌تر صورت می‌گیرد، اتخاذ تدابیر پیشگیرانه از سوی قانونگذار در راستای عدم دسترسی آسان مقامات ذیربط و اشخاص تحت نظارت آنان، موجبات اطمینان خاطر شهروندان به ایمنی داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای خصوصی آنان را فراهم می‌سازد. به عنوان نمونه ارسال پیامک به رانندگان تاکسی اینترنتی اسنپ مبنی بر حذف نرم‌افزار مسیریاب ویز، شبیه دسترسی شرکت حمل و نقل اسنپ به داده‌ها و سامانه‌های تلفن همراه رانندگان را در جامعه تقویت کرد. (ریسی و قاسم‌زاده لیالی، ۱۳۹۹: ۱۱۲) همچنین وفق ماده (۶۷۲) قانون آیین دادرسی کیفری تفتیش یا توقیف داده‌ها و سامانه‌های رایانه باید در حضور متصرفان قانونی یا اشخاصی که به نحوی آنان را تحت کنترل قانونی دارند، صورت گیرد، اما در صورت عدم حضور یا امتناع از حضور متصرفان قانونی چنانچه تفتیش یا توقیف ضرورت داشته باشد یا فوریت امر اقتضا کند، قاضی می‌تواند با ذکر دلایل دستور تفتیش یا توقیف بدون حضور اشخاص را صادر نماید. هر چند قانونگذار در قسمت اخیر ماده مذکور مقام قضایی را مکلف نموده است که دلایل ضرورت و فوریت داشتن تفتیش و توقیف را در ضمن دستور خویش بیان دارد، لکن به دلیل ذکر عبارات کلی و مبهم، ضرورت دارد که ضمن ضابطه‌مند نمودن اصطلاحات مذکور، الزام قانونی برای حضور مقام قضایی در زمان دسترسی و تفتیش داده‌ها و سامانه‌های متهمین در نظر گرفته شود.

در حقوق آمریکا با وضع قانون پاتریوت با بکارگیری دو ابزار بنیادین نظارت الکترونیکی و پردازش اطلاعات حریم خصوصی شهروندان به کرات با صدور مجوز استراق سمع، کنترل مکالمات، ایمیل‌ها مورد تعرض قرار گرفته است. بخش دوم ماده (۲۰۲) قانون پاتریوت راجع به تقویت دادرسی‌های نظارتی، دادگاه در صورت تقاضای محکوم یا دادستان اجازه افشا ارتباطات شفاهی کابلی الکترونیکی را می‌دهد که حتی اجازه افشا آن برای دیگر دولت‌های فدرال نیز وجود دارد، در حالی که بنظر می‌رسد چنین امری مجوز برچسب زنی گسترده را می‌دهد. (توجهی و برنجی اردستانی، ۱۳۹۱: ۸۲-۷۵) ماده (۲۰۲) قانون مزبور علاوه بر اصلاح برخی قانون‌های پیشین به صورت گسترده شنود مکالمات بیسیم، شفاهی و الکترونیکی را مجاز دانسته است. بدین ترتیب ممکن است برای مثال اف بی ای در منزل فردی دستگاه شنود یا تصویربرداری نصب کرده و تمام فعالیت‌هایش را بدون آگاهی وی مدت‌ها زیر نظر

بگیرد، در حالی که مطابق قوانین سابق، برای زیرنظر داشتن افراد، علاوه بر اخذ مجوز، مطلع ساختن فرد از موضوع نیز لازم بود. (محسنی، ۱۳۹۱: ۱۸۷) از طرفی بخش (۲۱۱) این قانون نیز به شرکت‌های مخابراتی مجوز می‌دهد تا اطلاعات کاربران را از طریق ارتباطات اینترنتی بدون اخطار قبلی مورد شناسایی قرار دهد. (آقابابایی، ۱۳۸۹: ۱۳)

مقررات مربوط به «استراق سمع» در بخش (۲۰۶) قانون مذکور به دادگاه نظارت بر اطلاعات خارجی ایالت متحده اجازه می‌دهد در شرایطی تشخیص دهد اقدامات مورد نظر ممکن است در شناسایی ارتباطات خاص، صاحبخانه، متولی، شخص خاصی که به وی سفارش ارایه اطلاعات داده شده است، با مانع مواجه شود، با استفاده از امکانات یا کمک فنی در ارتباط با شنود هدایت شوند. از طرفی اقدام به شنود نیز بایست مبتنی بر حقایق خاص ارائه شده مطابق با هدف مورد نظر باشد. علاوه بر این بخش (۲۰۷) نیز زمان شنود در قانون نظارت بر اطلاعات خارجی و الحاقات آن را به ۱۲۰ روز افزایش داد. (Liu & Doyle, 2015: 5) هر چند در اصلاحیه صورت گرفته، اقدام به شنود مبتنی بر «حقایق قابل قبول» گردیده است، اما با توجه به اینکه چنین عبارتی به صورت کلی و مبهم ذکر گردیده و در نتیجه ضابطه معینی از سوی قانونگذار در راستای تعیین حدود و ثغور آن پیش‌بینی نشده است، لذا تعرض به حریم خصوصی اشخاص امری محتمل خواهد بود. از سویی دیگر افزایش مدت زمان شنود اطلاعات شهروندان در بخش (۲۰۷)، گستره دخالت در حیطه خصوصی زندگی افراد را افزایش خواهد داد.

از طرفی علاوه بر بخش (۲۰۶) قانون میهن‌پرستی در مورد شنودهای اتفاقی و بدون نیاز به دستور کتبی دادگاه برای مشاهده و کنترل ارتباطات الکترونیکی در قالب تحقیقات مربوط به فعالیت‌های تروریستی، بخش (۲۱۴) و (۲۱۶) نیز فراهم‌کننده امکان کنترل بستر خطوط تلفنی و نامه‌های الکترونیکی در اینترنت برای انجام تحقیقات کیفری است. بخش (۲۱۵) نیز به اف‌بی‌ای و سایر سازمان‌های مجری این قانون اجازه تفحص از شرکت‌ها، سازمان‌ها، موسسات اطلاعاتی، کتابخانه‌ها، کتابفروشی‌ها و ... را به صرف امکان وجود یک رابطه ساده با یک پرونده مربوط به فعالیت‌های تروریستی بر مبنای قانون نظارت بر فعالیت‌های جاسوسی می‌دهد. (Kranish, 2009: 5) از همین رو با توجه به اعطای اختیارات وسیع ناشی از وضع قانون مذکور، لازم نیست فرد یا موسسه، مظنون به فعالیت‌های تروریستی باشد، بلکه فقط کافی است در ارتباط به تروریسم باشد. بعلاوه نهاد نظارتی نیز تکلیفی به انتشار جزئیات زمان و نحوه نظارت خویش ندارد.

۴-۲. امنیت‌گرایی در تقابل با حریم خصوصی اطلاعاتی

یکی از مهم‌ترین دلایل تقویت گروه‌های تروریستی، تداوم تامین منابع مالی مورد نیاز آن‌ها است. به نحوی که پولشویی نیز یکی از مهم‌ترین منابع مالی این گروه‌ها محسوب می‌شود. از همین رو قانونگذار ایران نیز با بکارگیری رویکردی سخت‌گیرانه قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم را تصویب نمود. ماده

(۱۳) قانون مزبور، اشخاص و نهادها و دستگاه‌های مشمول قانون مبارزه با پولشویی را موظف نموده است که ضمن شناسایی مراجعان هنگام ارائه تمام خدمات و انجام عملیات پولی، مالی و نگهداری، مدارک مربوط به سوابق معاملات و عملیات مالی آنان، گزارش عملیات مشکوک به تأمین مالی تروریسم را به شورای عالی مبارزه با پولشویی ارسال نماید. قانونگذار نیز به مثابه قانون میهن‌پرستی آمریکا در راستای مبارزه با فعالیت‌های تروریستی از یک سواصل رعایت حریم خصوصی شهروندان را نقض نموده و جواز بررسی تمامی خدمات و عملیات مالی و پولی، سوابق معاملات مشتریان را به اشخاص، نهادها و دستگاه‌های مشمول قانون مبارزه با پولشویی واگذار کرده است و از سوی دیگر با نقض اصل برائت به تمامی فعالیت‌های مالی و معاملاتی اشخاص به دیده تردید نگریسته است. از همین رو نباید به بهانه مقابله با تروریسم یا تأمین مالی آن کرامت انسان‌ها با زیرپا گذاشتن اصولی مانند اصل دادرسی عادلانه، ممنوعیت استفاده از شکنجه، حریم خصوصی شهروندان، اصل برائت و قانونی بودن جرم و مجازات نادیده گرفته شود. (حاجی ده‌آبادی و خاتمی، ۱۳۹۷: ۵۹)

همچنین مطابق بند «ج» ماده (۱) قانون مبارزه با پولشویی اصلاحی ۱۳۹۷، معاملات و عملیات مشکوک شامل هر نوع معامله، دریافت یا پرداخت مال اعم از فیزیکی یا الکترونیکی یا شروع به آن‌ها است که بر اساس قرائن و اوضاع و احوالی همچون موارد مندرج در ذیل بند مذکور ظن وقوع جرم را ایجاد کند. لذا قانونگذار در این بند به نوعی بدون تعیین معیار و ضابطه‌ای مشخص، تحقق معاملات مشکوک را صرفاً به احراز ظن وقوع جرم منوط کرده است.

بر اساس ماده (۷) قانون مبارزه با پولشویی اشخاص، نهادها و دستگاه‌های مشمول این قانون مکلف به احراز هویت، شناسایی مراجعین، ارائه گزارش معاملات یا عملیات یا شروع به عملیات بیش از میزان مصوب شورا یا معاملات و عملیات مشکوک بانکی، ثبتی، سرمایه‌گذاری، صرافی، کارگزاری و مانند آن‌ها به مرکز اطلاعات مالی هستند و از این رو اشخاص و دستگاه‌های صالح می‌توانند با ورود به حریم خصوصی اشخاص از قبیل سوابق معاملات و عملیات بانکی آنان، ضمن رصد نمودن اطلاعات مذکور در صورت مواجهه با هر گونه عملیات بانکی مشکوک گزارشات لازم را به مرجع صالح اعلام نمایند. از طرف دیگر در تبصره ماده فوق نیز در تعریف معاملات و عملیات مشکوک همچون قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، ضابطه «ظن وقوع جرم به صورت متعارف» را مورد پذیرش قرار داده است.

هر چند ماده (۵) قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان منکر مصوب ۱۳۹۴ به اصل عدم تعرض به مسکن و حریم خصوصی اشاره نموده است. اما در قانون مذکور بر اساس تبصره ماده ۵ حریم خصوصی را بدون ارائه تعریفی مشخص، با معیار «در معرض دید عموم» شناسایی کرده است و اماکنی همانند قسمت‌های مشترک آپارتمان، هتل‌ها و بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه عمومی را که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، جز حریم خصوصی محسوب نمی‌کند و از این رو در این مکان‌ها

بدون توجه به محدودیت‌های مصوب قانونگذار در خصوص حریم خصوصی، به تفتیش و بازرسی اماکن و اشیاء مزبور مبادرت می‌ورزند، که پیش‌بینی چنین مقرره‌ای، مصداق بارز نقض حریم خصوصی اشخاص محسوب می‌شود.

یکی از آثار منفی حادثه ۱۱ سپتامبر عدم امنیت اطلاعات شخصی و محرمانه و اختلال در حریم خصوصی شهروندان آمریکا بوده است؛ زیرا نظام سیاسی این کشور با وضع قوانین و مقررات مداخله جویانه از قبیل قانون میهن‌پرستی و همچنین دستورالعمل تهیه شده توسط اداره کار، به شکلی گسترده نسبت به نقض حریم خصوصی اقدام نموده است. وفق بخشی از این دستورالعمل کارفرمایان مشمول اداره کار می‌توانند اطلاعات تجاری و شخصی کارگران و مشتریان خویش را افشا نمایند (chisam, 2012: 2) مضافاً اینکه کنگره آمریکا به منظور افزایش توان دولت در راستای دستیابی به اطلاعات خصوصی افراد مبادرت به تصویب قانون ارتقای امنیت سایبری نموده است. (Hoofmagle, 2010: 4) در محاکم این کشور نیز در آرای متعددی نقض حریم خصوصی افراد طی برخی توجیحات مجاز شمرده شده است؛ از جمله در پرونده آمریکا علیه میلر، دادگاه حکم داد که خواننده هیچ حقی بر حریم خصوصی در ارتباط با سوابق بانکی‌اش ندارد، زیرا آنها سوابق تجاری متعلق به بانک هستند. در پرونده اسمیت علیه مریلند نیز دادگاه پلیس را مجاز به استفاده از ثبت‌کننده تماس‌های گرفته شده یک خط تلفن برای بازرسی داده تماس‌های خروجی مظنون شمرده است. در واقع پرونده‌های آمریکا علیه میلر و اسمیت علیه مریلند نمونه‌هایی از کاربرد «دکترین شخص ثالث» در حقوق آمریکا است، بدین معنا که هرگاه شخصی به صورت داوطلبانه اطلاعاتی را به شخص ثالثی می‌دهد، نفع حریم خصوصی در آن اطلاعات از بین می‌رود (Maccubin, 2018: 1). اما از سوی دیگر دیوان عالی آمریکا در پرونده کارپنتر علیه آمریکا مغایر با «دکترین شخص ثالث» دسترسی به سوابق تلفنی کارپنتر را علیرغم اینکه اطلاعات جمع‌آوری شده، سوابقی بود که از شرکت‌های تلفن همراه به دست آمده بود، نیازمند اخذ مجوز قانونی دانسته است. اکثریت قضات دیوان عالی آمریکا باتاکید بر هدف اصلاحیه چهارم قانون اساسی مبنی بر تضمین حریم خصوصی اشخاص، دسترسی به موقعیت مکانی تلفن همراه کارپنتر را نیازمند اخذ مجوز دانسته‌اند. نکته جالب آن است که حتی اتخاذ چنین تصمیمی از سوی دیوان عالی آمریکا تأثیر چندانی در محکومیت کارپنتر نخواهد داشت، زیرا طبق «دکترین حسن نیت» که در پرونده آمریکا علیه لئون ایجاد گردید؛ هرگاه دولت بر یک دستور ناقص و معیوب دادرسی با حسن نیت تکیه کند، مدرک مورد استفاده از دادرسی کنار گذاشته نمی‌شود (Maccubin, 2018: 3-14). بنابراین علیرغم تغییر رویه دیوان عالی آمریکا در دعوای کارپنتر علیه آمریکا در حمایت از حریم خصوصی، با تکیه بر دکترین حسن نیت رای صادره مبتنی بر بررسی بدون مجوز موقعیت مکانی تلفن همراه متهم، به قوت خویش باقی است.

بخش (۲۰۳) قانون پاتریوت ناظر بر اختیار اشتراک‌گذاری اطلاعات جمع‌آوری شده راجع به

اشخاص است. مقررهای پیش‌بینی شده در این بخش برای افشا و به اشتراک‌گذاری، نقض حریم خصوصی را به راحتی تسهیل می‌سازد. نکته حائز اهمیت آن است که با ذکر اصطلاح کلی «اطلاعات» در ماده مزبور، در واقع اطلاعات قابل افشا و به اشتراک‌گذاری می‌تواند طیف وسیعی از اطلاعات از جمله سوابق تحصیلی، شغلی تا اطلاعات مبادله‌ای از طریق اینترنت باشد. (Ambrason & Godoy, 2006: 5)

همچنین بخش (۲۱۰) به تعقیب‌کنندگان اجازه می‌دهد که با یک اخطار اداری به تمامی اطلاعات هویتی و شغلی شخص دسترسی پیدا کنند. پیش‌بینی‌های صورت گرفته در این بخش مبنی بر گسترش اختیارات دولت، نگرانی‌هایی را در میان طرفداران آزادی‌های مدنی ایجاد کرده است. نخست اینکه اختیارات اعطایی در بخش (۲۱۰)، اطلاعات پرداخت از قبیل شماره حساب بانکی و شماره کارت اعتباری را در صلاحیت دولت قرار داده است. از همین رو نیازی به ارسال احضاریه جهت دلیل چنین دسترسی پیش‌بینی نشده است. دوم؛ ادعای وزارت دادگستری آمریکا مبنی بر اینکه جواز اعتراض به احضاریه از طریق دادگاه، جهت جلوگیری از سوءاستفاده مقامات، فراهم می‌باشد، امری نادرست است، زیرا احضاریه صرفاً برای شرکت‌های ارتباطی صادر می‌شود نه برای فردی که اطلاعات شخصی وی درخواست می‌شود. با توجه به اینکه در صورت همراهی شرکت‌ها با احضاریه‌های صادره، کاملاً از مصونیت برخوردار هستند، بنابراین انگیزه کمی برای اعتراض به احضاریه‌ها را خواهند داشت. از طرفی بسیاری از شرکت‌ها شرایط پرداخت هزینه برای استخدام وکیل در راستای حفاظت از اطلاعات خصوصی مشتریان را ندارند. (Raab, 2006: 2-7)

بخش (۲۱۵) نیز اختیارات مربوط به قانون نظارت بر اطلاعات خارجی را از دو طریق بررسی سوابق و دیگر موارد ملموس افزایش داد. در وهله اول قلمرو موارد قابل جستجو را گسترش داد. قبل از تصویب قانون پاتریوت، طبق قانون نظارت بر اطلاعات خارجی دستورات دادگاه تنها برای دسترسی به ۴ نوع از سوابق تجاری صادر می‌شد؛ سوابق اجاره اتومبیل، سوابق اسکان مسکن، سوابق اجاره انبار و سوابق سفر. اما با اصلاح مذکور، این بخش به دادگاه نظارت بر اطلاعات خارجی ایالات متحده اجازه دسترسی به «هر چیز ملموسی» را داد. دوم؛ استنادی که بایست قبل از صدور چنین احکامی توسط دادگاه رعایت شود، تقلیل یافت. زیرا استاندارد سابق مستلزم واقعیتهای خاص و مبتنی بر ارتباط با یک قدرت خارجی یا عامل یک قدرت خارجی بود. بنابراین پس از اصلاحات سال ۲۰۰۶ توسط کنگره به منظور محدود نمودن سواستفاده مقامات از اصطلاح «هر چیز ملموسی»، دولت صرفاً اختیار دسترسی به اطلاعات مرتبط با جاسوس خارجی، تروریسم بین‌المللی یا تحقیقات جاسوسی را خواهد داشت. مطابق اصلاحیه مزبور، در هر صورت سوابق اگر مربوط به قدرت‌های خارجی یا یکی از نمایندگان آن‌ها یا اشخاصی که با آنان در تماس یا حتی آنها را بشناسند، باشند، «مفروضاً مرتبط» اعلام می‌شود. اما بایست اذعان نمود که «پیش فرض ارتباط» عمدتاً اطلاعات مربوط به اشخاص بیگناه آمریکایی را تحصیل می‌کند. زیرا

عوامل خارجی ممکن است تعداد زیادی از افراد آمریکایی را بشناسند، که صرفاً برخی از این افراد درگیر فعالیت‌های شورانه خویش هستند. از همین رو «پیش فرض ارتباط» برای اطلاعات هر دو گروه ایجاد خواهد شد. (Liu & doyle, 2015: 7-9)

بخش (۳۱۲) قانون مزبور، موسسات مالی را ملزم به ایجاد برنامه‌ها و نظارت‌هایی می‌کند تا حساب‌های کارگزاری و خصوصی برای بانک‌ها و اتباع غیر آمریکایی را از طریق حساب‌ها کشف و سپس گزارش کنند و در ارتباط با حساب‌های کارگزاری که با مجوز بانکداری بدون مرز فعالیت می‌کند و یا دارای مجوز از دستگاه قضایی است که همکاری لازم را با سازمان‌های بین‌المللی پولشویی ندارند و یا اینکه برای اقدامات ویژه تعیین شده‌اند، رسیدگی دقیق ضرورت دارد. نکته حائز اهمیت این است که پاتریوت به بهانه مقابله با جرایم پولشویی کلیه موسسات مالی آمریکایی را بر رسیدگی دقیق قبل از مجوز به موسسات مالی غیر آمریکایی برای افتتاح حساب کارگزاری نزد آنان و در نتیجه ورود به سیستم مالی آمریکا وادار می‌سازد. (Cukaj, 2013: 130)

نتیجه‌گیری

محافظت از حریم خصوصی شهروندان یکی از اهداف اصلی نظام دادرسی کیفری است. با این وجود ضرورت کشف جرم این حریم را در معرض تهدید قرار داده است. حقوق ایران در گذار از رویکرد سنتی و ریشه‌دار امنیت‌مداری به سمت رویکردی شهروندگرا تحولات برجسته و در خور تحسینی را تجربه کرده است. قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی مصوب سال ۱۳۸۲ و قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲ نمونه‌های بارز این تغییر رویکرد به شمار می‌رود. هر چند تغییر رفتار در کنشگران رسمی نظام دادرسی کیفری ایران اعم از نهادهای امنیتی و پلیسی و همچنین مقامات قضایی به کندی پیش می‌رود ولی در مقایسه با قبل پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای را تجربه کرده است. پیشرفتی که همچنان با معیارهای جهانی و به ویژه معیارهای اسلامی فاصله دارد.

پیشینه تقنینی قابل ملاحظه‌ای در حمایت از حریم خصوصی شهروندان در ایالات متحده آمریکا- به ویژه از نیمه دوم قرن بیستم- وجود دارد. به گونه‌ای که علاوه بر قوانین مصوب قوه قانونگذاری، دادگاه‌های ایالتی و دیوان عالی آمریکا، با بررسی دعاوی مطرح شده ضمن ابداع برخی اصطلاحات مرتبط با حریم خصوصی، در صدد تعیین گستره حریم خصوصی شهروندان برآمدند. اما با توجه به موسع بودن دامنه این اصطلاحات و برداشت‌های متفاوت از این عبارات توسط قضات دادگاه‌های مزبور، قاعده‌ای نظام‌مند در حمایت از حریم خصوصی افراد در رویه قضایی آمریکا تثبیت نگردیده است. از سویی با وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، با تصویب قانون پاتریوت از طریق اصلاح برخی قوانین حمایتی حریم خصوصی، میزان مداخله در زندگی خصوصی شهروندان به طور چشمگیری افزایش یافت. از همین رو با وضع قانون مذکور توازن قدرت در این کشور دستخوش تغییر گردید و

اختیارات دستگاه قضایی آمریکا به نفع دولت در راستای حاکمیت امنیت جامعه محدود گردید. مضافاً تسهیل دسترسی به اطلاعات فردی و شخصی، به شکلی گسترده تضمینات راجع به حریم خصوصی شهروندان آمریکا را با چالش جدی مواجه نموده است.

حقوق ایران برای دستیابی به نظامی که شهروندان را همزمان در برابر مجرمان و صاحبان قدرت در نهادهای امنیتی و پلیسی و قضایی محافظت کند با دو چالش مهم روبروست. چالش نخست عبور از قرائت‌های رسوب کرده سنتی و برآمده از حکومت‌های پادشاهی که اعمال خشونت را بهترین راهکار برای حفظ امنیت تلقی می‌کند و چالش دوم مقاومت در برابر موج امنیت‌گرایی نوینی است که ناخواسته حریم خصوصی افراد را به بهانه مقابله با تروریسم و جرایم سازمان‌یافته تحدید و نقض می‌کند. نظام دادرسی کیفری ایران در مقایسه با نظام دادرسی کیفری آمریکا نه تنها با رویکردهای سنتی امنیت‌گرایی در حال نبرد است بلکه به تدریج نوعی امنیت‌گرایی نوین را نیز باید تجربه کند.

پیشنهادهای

۱) با عنایت به نقش فاقد انسجام ضابطان دادگستری در حفظ یا نقض حریم خصوصی و از طرفی اهمیت این حریم، ضرورت دارد دو قانون مستقل در باب حریم خصوصی و اختیارات و وظایف ماموران پلیس با بیان مصادیق و حدود و ثغور وظایف و نحوه مواجهه آنان با حریم خصوصی شهروندان به صورت شفاف تصویب گردد.

۲) در صورت عدم رعایت اصول و ضوابط مرتبط با حریم خصوص توسط ماموران پلیس و مقامات قضایی، بی‌اعتباری تحقیقات صورت گرفته اعلام گردد.

۳) جهت رعایت اصل بی‌طرفی و تضمین حقوق و آزادی‌های فردی و جلوگیری از استبداد قضایی در مرحله کشف جرم، اصل تفکیک مقام کشف جرم از مقام تحقیق و تعقیب از طریق اصلاح قوانین مورد توجه قرار گیرد.

۴) با توجه به اهمیت حریم خصوصی منازل، اماکن و اشیاء، مقتضی است مصادیق، حدود، ثغور و شرایط ورود به این مکان‌ها به صورت دقیق و موردی، مورد پیش‌بینی قانونگذار قرار گیرد.

فهرست منابع

- آقابابایی، حسین، ۱۳۸۹ش، «لیبرالیسم، حریم خصوصی و قانون پاتریوت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، ش ۲.
- آماده، مهدی، ۱۳۹۲ش، حمایت از حریم خصوصی، تهران، انتشارات دادگستر، ج ۱.
- بجنوردی، سیدمحمد حسن، ۱۴۱۹ق، القواعد الفقهیه، محققان: محمدحسین الدرایتی و مهدی الاسلامی، قم، نشر الهادی، ج ۱.
- پورسعید، فرزاد، ۱۳۸۷ش، امنیت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۲.
- تقی‌پور، علی رضا، ۱۳۹۵ش، «رعایت حریم منزل، مکاتبات و مکالمات در رویه دیوان اروپایی حمایت از حقوق بشر با نگاهی به قانون آیین دادرسی کیفری ایران»، فصلنامه اخلاق زیستی، سال ششم، ش ۲۱.
- توجهی، عبدالعلی، برنجی اردستانی، مرجان، ۱۳۹۱ش، بررسی جایگاه امنیت‌گرایی در سیاست کیفری ایران و آمریکا، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، ش ۲.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۵۳ش، مکتب‌های حقوقی در حقوق اسلام، تهران، نشر ابن سینا.
- حاجی‌ده‌آبادی، محمد علی، خاتمی، سعیده، ۱۳۹۷ش، سیاست جنایی ایران در قبال جرم تأمین مالی تروریسم در پرتو الزامات بین‌المللی، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال پنجم، ش ۳.
- خالقی، علی، ۱۳۹۴ش، آیین دادرسی کیفری، تهران، مؤسسه مطالعات حقوقی شهر دانش، ج ۲۷.
- خمینی، روح‌الله، ۱۴۱۰ق، تحریرالوسیله، بیروت، انتشارات دارالاسلامیه، ج ۱.
- دهقانی، علی، ۱۳۹۰ش، رویکرد امنیت‌گرایی نظام دادرسی کیفری؛ مبانی، جلوه‌ها و چگونگی تعدیل آن با تأکید بر حقوق ایران، رساله دکتری، قم، دانشگاه پردیس فارابی تهران.
- رنجبر، مقصود، ۱۳۸۵ش، مفهوم امنیت در اندیشه سده‌های میانه، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، ش ۱.
- رییسی، لیلا، قاسم‌زاده لیالی، فلور، ۱۳۹۹ش، «چالش‌های نظام حقوقی ایران در نقض داده‌های شخصی و حریم خصوصی در فضای سایبر»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۱۱۰.
- شاکری، ابوالحسن، قاسمی، مسعود، ۱۳۹۵ش، «پاسخ به جرم مشهود در سیاست جنایی ایران با نگاهی به حقوق انگلستان»، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال هجدهم.
- طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۱۰ق، المیزان، بیروت، دارالاحیا، ج ۱۸.
- عالی‌پور، حسن، ۱۳۸۸ش، «امنیت ملی و حقوق متهم؛ مطالعه تطبیقی آیین دادرسی در قبال اقدامات تروریستی»، مطالعات راهبردی، ش ۴۳.
- فهم دانش، علی، ۱۳۸۳ش، «وضعیت حقوق بشر در ایالات متحده آمریکا پس از یازده سپتامبر»، مطالعات منطقه‌ای، ش ۲۰ و ۲۱.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، ۱۳۸۵ش، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران، نشر میزان، ج ۴.
- قبله‌ای خویی، خلیل، ۱۳۸۷ش، علم اصول در فقه و قوانین موضوعه، تهران، انتشارات سمت، ج ۱.
- کوشکی، غلامحسین، سهیل مقدم، سحر، ۱۳۹۵ش، «مطالعه تطبیقی حقوق شخص تحت نظر در نظام دادرسی کیفری ایران و آمریکا»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۸۰، ش ۹۴.

محسنی، فرید، ۱۳۹۱ش، تحولات کیفری در قانون میهن‌پرستی آمریکا، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۶۰.
مهر، نسرین، محمودیان، کامران، ۱۳۹۶ش، «الزامات حقوق بشری کشف جرم در نظام حقوقی ایران»، مطالعات حقوق عمومی ایران، دوره ۴۷، ش ۲.
ندایی، رضا، ۱۳۹۲ش، بایسته‌های بازرسی در آیین دادرسی کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

- Ambrason, L. & Godoy, M. (2006). The US Patriot Act Key Controversies, <http://www.npr.org>.
Birchfield v. North Dakota. (2016). The Supreme Court of North Dakota, 679 U.S.
Chisam, B. (2012). Do ? Threatens Personal and Commercial Privacy in Proposal Directed against Skilled Foreign Nationals, National Foundation for American Policy.
Copolo, G. (2006). Investigative Detention, OLR Research Report.
Crawshaw, R. (2009) Police and Human Rights: A Manual for Teachers and Resource Persons and for Practicpantns in Human Rights Programmes, Published by Leiden, Bill, Biggleswade.
Cukaj, L. (2013). A Comparative View of Terrorist Acts and Legislative Reasures Countering this Phenomenon in Albania & the United States of America, Journal of ?, 1(13), Published by: Academicus Albania.
Hoofnagle, C. (2010). United States Real Property Law, Karoli Gospar University, Gradtute Doctoral Program.
<https://www.justice.gov>, (2020).
Kranish, N. (2009). The Impact of the US Patriot Act, www.fepproject.org
Liu, E. & Doyle, Ch. (2015). Government Collection of Private Information: Background and Issues Related to the US Patriot Act Reauthorization in Brief, Congressional Research Service.
Luban, D. & Shue, H. (2011). Mental Torture: A Critique of Erasures Iin US Law, Goorgetown Public Law and Legal Theory Research, 11-31.
Mccubin, S. (2018). The Supereme Court Rules in Crapenter v. United States Supereme Court.
Raab, Ch. (2006). Fighting Terrorism in an Electronic Age: Does the Patriot Act Unduly Compromise our Civil Liberties? Duke Law & Tecnology Review, No. 2.
Rolando et al. (2016). Criminal Procedure: Law and Practice, Publisheb by Cengage Learning, 10th ed.
Sharlen Wilson Petitioner v. Arkansas. (1995). Court of the United States, 514 US 927.
State of Arizona Petitioner v. Gant. (2009). Superme Court of the United STATES, 556 US, NO. 7-542.
State of Michigan Petitioner v. George Summers. (1981). Supreme Court of the United States, 452 US 692.
State of New York Petitioner v. Roger Belton. (1981). Supreme Court of the United States, 453 US, 454, 460, N3.
Ted Steven Chimel Petitioner v. State of California. (1969). Supreme Court of the United States, 395 US 752.

Persian Sources

- Agha Babaei, H. (2010). Liberalism, Privacy and the Patriot Act, Journal of Law and Political Sciences, 40(2).

- Alipour, H. (2009). National Security and the Rights of the Accused; A Comparative Study of Procedural Rules for Terrorist Acts, Strategic Studies, No. 43
- Amadeh, M. (2013). Protection of Privacy, 1st ed, Tehran: Adl Publications
- Bojunordi, S M H. (1998). Rules of Jurisprudence, First volume; Researchers: Mohammad Hossein Daraiti and Mehdi Eslami, al-Hadi publication
- Dehghani, A. (2011). The Security Approach of the Criminal Justice System; its Foundations, Effects and How to Adjust it with an Emphasis on Iran's Rights, Qom: Farabi Campus University of Tehran.
- Fahim Danesh, A. (2004), The State of Human Rights in the United States of America after 9/1", Regional Studies, No. 20 & 21.
- Ghazi Shariat Panahi, A. (2006). Essentials of Fundamental Rights, 4th ed, Tehran: Mizan Publishing House.
- Gheble Khoi, Kh. (2008). The Science of Principles in Law and Jurisprudence, First Ed, Tehran: Samit Publications.
- Haji Dehabadi, M A. & Khatami, S. (2018), Iran's Criminal Policy Regarding the Crime of Financing Terrorism In The Light Of International Requirements, Quarterly Journal Of Comparative Islamic And Western Law, Year 5, No 3.
- Jafari Langroudi, M J. (1974). Legal Schools in Islamic Law, Tehran, Ibn Sina Publishing.
- Khaleghi, A. (2015). Code of Criminal Procedure, 27th Chapter, Tehran: Shahr-e Danesh Institute of Legal Studies.
- Khomeini, R. (1990). Tahrīr al-Wasīlah, Volume 1, Beirut, Darala Salamiyah Publications.
- Kushki, Gh. & Sohail Moghadam, S. (2016). A Comparative Study of the Rights of the Person under Investigation in the Criminal Justice Systems of Iran and the United States, Journal of Judicial Law, 80(94).
- Mehra, N. & Mahmoudian, K. (2017). Human Rights Requirements of Crime Detection in Iran's Legal System, Iranian Journal of Public Law Studies, 47(2).
- Mohseni, F. (2012). Criminal Developments in American Patriotism Law, Jurisprudential Perspectives Quarterly, No. 60.
- Nedai, R. (2013). The Requirements of Inspection in Criminal Procedure, MA Thesis in Criminal Justice and Criminology, Ferdowsi University of Mashhad.
- Poursaeid, F. (2008). Human Security in the Constitution of the Islamic Republic of Iran, Strategic Studies Quarterly, No. 2.
- Raisi, L. & Ghasemzadeh Liali, F. (2020). Challenges of Iran's Legal System in Violation of Personal Data and Privacy in Cyber Space", Journal of Judicial Law, No. 110.
- Ranjbar, M. (2006). The Concept of Security in the Thought of the Middle Ages, Strategic Studies Quarterly, 9(1).
- Shokri, A. & Ghasemi, M. (2016). Responding to Evident Crimes in Iran's Criminal Policy with a Look at English Law", Criminal Science Research Quarterly, No. 18.
- Taghipour, A R. (2016). Respecting the Privacy of the Home, Correspondence and Conversations in the Procedure of the European Court; A Story about Human Rights with a Look at the Iranian Criminal Procedure Law", Ethology Quarterly, 6(21).
- Tabatabaei, M H. (1990). Al-Mīzān, Volume 18, Beirut: Dar Elahiya.
- Tvajohi, A A. & Berenji Ardestani, M. (2012). An Investigation into the Position of Security in the Criminal Policy of Iran and United States, Criminal Law Research Quarterly, 1(2).